

## پژواک صدای کودکان در پژوهش‌های کیفی حوزه ادبیات کودک<sup>۱</sup>

دکتر یزدان منصوریان، دانشیار دانشگاه خوارزمی [mansourian@khu.ac.ir](mailto:mansourian@khu.ac.ir)

<http://cvs.khu.ac.ir/fa/yazdan.htm>

### چکیده:

از نظر تاریخی مطالعات موجود درباره کودکان بیشتر تحقیقات مشاهده‌ای و آزمایشگاهی در عرصه روانشناسی و پزشکی بوده است. اما به دلیل کم توجهی به ملاحظات روش‌شناختی، در بسیاری از مواقع، یا صدای کودکان به درستی شنیده نشده یا به اشتباه تفسیر شده است. حتی تفسیر ما از سکوتشان نیز معمولاً با تحلیل‌های سطحی و گاه ساده‌انگارانه همراه بوده است. در نتیجه محققان حوزه‌های مختلف که هر یک درباره وجهی از وجوه زندگی کودکان مطالعه می‌کنند، اغلب از ورود به «دنیای کودکی» باز مانده‌اند. مرور منابع نشان می‌دهد که در میان چالش‌های موجود در تحقیقات این حوزه، حداقل سه عامل «قدرت نامتوازن»، «رضایت آگاهانه» و «محرمانگی» از مهمترین مباحث بحث‌برانگیز محسوب می‌شود. از آنجا که کودکان با نگاهی متفاوت به دنیا می‌نگرند، پرسش‌های متفاوت می‌پرسند و به شیوه‌های متفاوتی ارتباط برقرار می‌سازند، شناخت تجربه زیسته آنان نیازمند ابتکارهای روش‌شناختی است. در سال‌های اخیر برای پاسخ به این مشکل محققان حوزه‌های مختلف نظیر ادبیات کودک، فلسفه برای کودکان، جامعه‌شناسی کودکی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی اقدامات سودمندی برای بازبینی در روشهای کیفی به کار بسته‌اند تا به روش‌هایی تازه‌ای دست یابند که سرشت و ماهیتی «کودک‌مدار» و «کودک‌پسند» داشته باشد. هدف نیز این است که بجای «تحقیق درباره کودک»، به «تحقیق همراه کودک» دست یابیم. تحقیقاتی که کودکان در آن‌ها مشارکت جدی دارند و حتی می‌توانند روند آن را در دست گیرند. مرور پیشینه نشان می‌دهد که به دو دلیل در تحقیقات مربوط به کودکان از مشارکت آنان کمتر استفاده شده است. نخست آنکه بسیاری از محققان گمان می‌کردند آنان در بیان تجربه‌ها و احساسات خود مهارت کافی ندارند. در نتیجه داده‌های حاصل از مشارکتشان از اعتبار لازم برخوردار نیست. دوم آنکه آسیب‌پذیری کودکان ملاحظه‌ای جدی در مشارکت در تحقیق بود. اما دستورالعمل‌هایی سال‌های اخیر در زمینه رعایت اخلاق پژوهش و همچنین ابتکارهایی برای گردآوری داده‌های موثق از این نگرانی کاسته است. بنابراین، روش‌شناختی تحقیق در این زمینه رشد کرده و اکنون افقهای نوینی پیش روی ماست. مقاله حاضر می‌کوشد با مرور آثار موجود، پیوند و همگرایی تازه‌ای بین ملاحظات روش‌شناختی در این زمینه برقرار سازد و در نهایت پیشنهادهایی کاربردی عرضه کند. پیشنهادهایی که بتواند زمینه‌ساز ارتقاء روایی، پایایی و در نهایت اعتبار و وثوق مطالعات باشد و ابزاری برای ترسیم تصویری دقیقتر و جامع‌تر از «دنیای کودکی» در اختیارمان قرار دهد.

**کلیدواژه:** پژوهش‌های کیفی، ملاحظات روش‌شناختی، مشارکت کودکان در پژوهش، مطالعات کودک‌پسند.

<sup>۱</sup> ارائه شده در نخستین همایش دو سالانه «ادبیات کودک و مطالعات کودکی»، تهران: شورای کتاب کودک، اول آبان ۱۳۹۳.

تحقیقات فراوانی با عنوان «مطالعات کودکی»<sup>۲</sup> در بسیاری از رشته‌ها در جریان است، که هر یک به نحوی معنا و مفهوم «کودکی» را در کانون توجه قرار داده‌اند. در برخی از دانشگاه‌ها - نظیر راتگرز<sup>۳</sup> و ادینبور<sup>۴</sup> - گروه‌های آموزشی مستقلی با همین عنوان وجود دارند و در مقاطع مختلف دانشجو می‌پذیرند. نخستین گروه دانشگاهی در این حوزه در سال ۱۹۹۱ در کالج بروکلین نیویورک<sup>۵</sup> تاسیس شد. در ۲۳ سال گذشته نهادهای بسیاری اقدام به ایجاد گروه‌های مشابه کردند. هدف این مراکز ایجاد رویکردی بین‌رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای<sup>۶</sup> برای اجرای مطالعات درباره وجود مختلف زندگی فردی و اجتماعی کودکان است. در نتیجه ردپای از مباحث هنری، ادبی، اجتماعی، حقوقی و فلسفی در این تحقیقات دیده می‌شود و هر یک به جنبه‌ای از دنیای کودکی توجه دارند.

بسیاری از پژوهشگران، گرانویل استانلی هال<sup>۷</sup> (۱۸۴۴-۱۹۲۴) را - که از بنیانگذاران و نخستین رئیس انجمن روانشناسی امریکا<sup>۸</sup> بود - آغازگر مباحث مرتبط با مفهوم کودکی می‌دانند. هر چند در این سال‌ها تغییرات بنیادین در رویکرد آنان به سرشت کودکی رخ داده است، اما مهمترین دستاورد هال و همکارانش برجسته ساختن اهمیت این دوره از حیات آدمی و تاثیر آن بر امور اجتماعی بود. ضمن آنکه بنیادی مستقل برای مطالعه پیرامون این موضوع ایجاد کرد. امروزه بازتاب پیشرفت این مباحث را می‌توان در مراکز پژوهشی دنیا دید. مثلاً گروه مطالعات کودکی دانشگاه ادینبور در صدر صفحه اینترنتی خود می‌نویسد: «مطالعات کودکی حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای و جذابی است که در آن دیگر کسی به کودکان به عنوان گیرندگان غیرفعال خدمات و مراقب بزرگسالان نمی‌نگرد. بلکه آنان اعضاء فعالی از جامعه هستند که در ساخت زندگی خود و دیگران مشارکت دارند. این تغییر بنیادین در نگرش به کودکان از تایید و پشتیبانی «کنوانسیون (پیمان‌نامه) حقوق کودک سازمان ملل»<sup>۹</sup> به عنوان یکی از مشهورهای حقوق بشر معتبر جهانی برخوردار است و تا کنون بیشترین حمایت را از گوشه و کنار جهان به خود جلب کرده است».

در چند دهه اخیر انتشار دهها نشریه تخصصی - نظیر «مجله اروپایی پژوهش در آموزش کودکان خردسال»<sup>۱۰</sup> بخش دیگری از تلاش‌ها محسوب می‌شود. بسیاری از این مجله‌ها نیز به مباحث کاملاً تخصصی می‌پردازند. نظیر «مجله بین‌المللی تعامل کودک و کامپیوتر»<sup>۱۱</sup> که به طراحی و ارزیابی منابع الکترونیکی مناسب برای کودکان اختصاص دارد. بر این اساس، امروز دامنه مطالعاتی که هر یک خود را مرتبط با مفهوم کودکی می‌دانند، بسیار وسیع است. اما آنچه همه این مطالعات را به هم پیوند می‌دهد، کوشش محققانی

<sup>2</sup> Childhood Studies or Children's Studies

<sup>3</sup> Department of Childhood Studies (<http://childhood.camden.rutgers.edu/>)

<sup>4</sup> Childhood Studies at The University of Edinburgh (<http://www.childhoodstudies.ed.ac.uk/>)

<sup>5</sup> Brooklyn College of The City University of New York

<sup>6</sup> Interdisciplinary Field of Study

<sup>7</sup> Granville Stanley Hall

<sup>8</sup> American Psychological Association (APA)

<sup>9</sup> United Nations Convention on the Rights of the Child

<sup>10</sup> European Early Childhood Education Research Journal

<sup>11</sup> International Journal of Child-Computer Interaction

است که گامهایی برای معنابخشی و بازنمایی مفهوم «کودکی» در بافت‌های اجتماعی مختلف بر می‌دارند. هر چند هر یک از منظری خاص به آن می‌نگرند، اما معنابخشی به این مفهوم در آنها مشترک است.

مثلاً متخصصان علوم تربیتی می‌خواهند بدانند فرایند یادگیری در کودکی چگونه رخ می‌دهد و چگونه می‌توان آن را بهبود بخشید. جامعه‌شناسان در تلاشند جایگاه کودکان را در مناسبات فرهنگی جوامع مختلف کشف کنند و از این رهگذر روشهایی برای بهبود این جایگاه بیابند. پزشکان و پرستاران نگران آسیب‌پذیری جسمی و روحی کودکان هستند. نهادهای بین‌المللی ناظر و معترض به پایمال شدن حقوق کودک در گوشه و کنار جهانند و می‌کوشند با تدوین دستورالعمل‌هایی روش‌هایی برای صیانت از این حقوق ارائه کنند. پژوهشگران ادبیات کودک می‌خواهند با بازبینی و بازنگری آثار مناسب برای کودکان به دنیای ذهنی آنان نزدیک شوند و برایشان فرصت تجربه‌های شیرین خواندن فراهم کنند. تصویرگران کتاب کودک با خلق تصاویر زیبا، ضمن مشارکت در انتقال مفاهیم، بر جذابیت آثار ادبی می‌افزایند. مروجان خواندن در جستجوی بهترین روش‌ها برای مشتاق ساختن کودکان به یادگیری هستند. مورخان ممکن است علاقه‌مند باشند بازتاب کودکی را در جوامع قرون گذشته بررسی کنند. ممکن است برای محققان ادبیات داستانی ترسیم تصویر کودکی در آثار نویسندگانی نظیر «چارلز دیکنز» و «شارلوت برونته» که در آثارشان - همچون «اولیور توئیست» و «جین ایر» - به دنیای کودکی و نوجوانی پرداخته‌اند، موضوع جالبی باشد؛ و این فهرست همچنان ادامه دارد.

چه بسا بسیاری از این مطالعات ماهیت «چندرشته‌ای»<sup>۱۲</sup> و «تطبیقی»<sup>۱۳</sup> داشته باشند. مثلاً همانطور که هانا باس (۲۰۰۰) اشاره می‌کند می‌توان آثار ادبی چند دوره تاریخی را در یک یا چند کشور از نظر چگونگی بازتاب مفهوم کودکی مقایسه کرد. به این ترتیب برای پاسخ به پرسش‌هایی نظیر اینکه چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی در این بازنمایی وجود دارد، همزمان به تاریخ، مطالعات فرهنگی و ادبیات نیاز داریم. حال اگر مولفه دیگری مثل «جنسیت» را نیز به این مقایسه اضافه کنیم و بخواهیم تفاوت میان بازتاب کودکی پسرانه و دخترانه را بررسی کنیم، به «تحلیل جنسیتی» نیز نیاز خواهیم داشت. حتی ممکن است وجوه دیگری مطرح باشد. مثلاً تفاوت مفهوم یا گستره سنی کودکی در کشورها و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند مبنای مقایسه قرار گیرد. علاوه بر این پنداشته‌ها و پیش‌فرض‌های افراد در جوامع گوناگون درباره ماهیت دوره کودکی نیز مبنای بحث‌های مختلف است. مثلاً باور به بی‌گناهی کودکان و پاک بودن آنان به سبب آنکه هنوز وارد دنیای بزرگسالی نشده‌اند از جمله افق‌هایی است که تحقیق درباره آنان و حتی چگونگی تحلیل داده‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

بنابراین، مفهوم کودکی در کانون این مطالعات متنوع قرار دارد و پیوندی میانشان برقرار می‌سازد. اما این وجه مشترک در این نقطه به پایان نمی‌رسد و هنوز پیوندهای دیگری وجود دارد. یکی از مهمترین این پیوندها ملاحظات روش‌شناختی است که زمینه‌ساز مباحث فراوان بوده است. تحقیق درباره کودکان از جهاتی با تحقیق درباره بزرگسالان متفاوت است و این تفاوت‌ها باعث طرح پرسش‌های متعدد بوده‌اند. مقاله حاضر به معرفی چالش‌های روش‌شناختی در این زمینه می‌پردازد و در این میان بر رویکرد کیفی تاکید دارد.

<sup>12</sup> Multidisciplinary

<sup>13</sup> Comparative Studies

منظور از رویکرد کیفی<sup>۱۴</sup> نیز تمام مطالعاتی است که در آن محقق پدیده مورد مطالعه را در «بافت طبیعی»<sup>۱۵</sup> خود بررسی می‌کند و در جستجوی یافتن معانی و باروهای مشترکی است که در بستر اجتماعی و فرهنگی ساخته می‌شود. معنایی فرهنگ‌مداری که حاصل تعامل مستمر و پیوسته اعضا یک جامعه در بستر تاریخ، جغرافیا، زبان و بسیاری متغیرهای پیدا و پنهان دیگر است و مبنای مناسبات فرهنگی و اجتماعی آنان را می‌سازد و به زندگی ساکنان آن بافت معنا و مفهوم می‌بخشد. توضیحات بیشتر درباره قلمرو و ویژگی‌های پژوهش کیفی در آثار دیگر نویسنده آمده است که علاقه‌مندان می‌توانند به آنها مراجعه کنند (منصوریان، ۱۳۹۱، ۱۳۸۸).

### مروری گذرا بر پیشینه پژوهش

دامنه مطالعات کودکی وسیعتر از آن است که مقاله حاضر با مجال اندکی که در اختیار دارد، بتواند حتی تصویری کلی از آن ترسیم کند. بنابراین، در اینجا به مروری گذرا بر تعدادی از مطالعات که بر وجه روش‌شناختی و رویکرد کیفی تاکید داشته‌اند، بسنده می‌شود. بانستر و بوث (۲۰۰۵) در پژوهشی به جستجوی روش‌های خلاقانه‌ای در پژوهش‌های کیفی مرتبط با کودکان پرداختند و روش‌های مناسب در این زمینه را در یک تقسیم‌بندی کلی تحت عنوان «رویکرد کودک‌مدار»<sup>۱۶</sup> نامیدند. رویکردی که خود زیر مجموعه‌ای از الگویی کلان دیگری است که آن را با عنوان «پژوهش مبتنی بر مشارکت‌کنندگان»<sup>۱۷</sup> می‌شناسیم. البته بیشتر نویسندگان دیگری نظیر بارکر و ولر (۲۰۰۳) نیز ترکیبات مشابهی مانند «روش‌های مشارکتی کودک بنیاد»<sup>۱۸</sup> و «کودک‌مدار» یا «کودک‌پسند»<sup>۱۹</sup> مطرح کرده بودند. برای بیان این مفهوم آنان امیدوار بودند با معرفی این روش‌ها از یک سو ابزارهای تازه‌ای ارائه دهند و از سوی دیگر سایر پژوهشگران را به تفکر در این زمینه تشویق کنند. ضمناً آنان – مثل بسیاری از محققان دیگر این حوزه – کودکان را نه به عنوان بزرگسالان آینده، بلکه به عنوان یک «طبقه اجتماعی»<sup>۲۰</sup> امروز در نظر گرفتند. آنان به کودکان فراتر از منظر متداولی می‌نگرند که در متون این حوزه با عنوان «بسته بزرگسالی»<sup>۲۱</sup> معرفی می‌شود. منظری که در آن بزرگسالان ماهیت و سرشت کودکی را تعریف می‌کنند و با تاکید بر تفاوت‌های میان بزرگسالان و کودکان در صدد شناخت سرشت این دوره هستند. در حالیکه زمان آن فرا رسیده است که ما کودکی را بی‌نیاز از مقایسه آن با بزرگسالی و بر اساس آنچه که هست تعریف کنیم. برای شناخت چستی آن به ابزارهایی احتیاج داریم که بانستر و بوث از جمله محققان موفق در این زمینه بوده‌اند.

محصول ابتکارات آنان تدوین ابزارهایی بود که در قالب روش‌های شبه قوم‌نگاری<sup>۲۲</sup>، مصاحبه، تکنیک‌های بازنمایی<sup>۲۳</sup> و عکاسی تولید شد. همچنین آنان پیشنهاد کردند دیگاه خود را درباره تحقیق پیرامون کودکان از نگاه بالا به پایین به رویکردی تازه تغییر دهیم که در

<sup>14</sup> Qualitative Approach

<sup>15</sup> Natural Context

<sup>16</sup> Child-Centric Approach

<sup>17</sup> Participant-Centered Research Design

<sup>18</sup> Participatory Children Centred Methodologies

<sup>19</sup> Child-centered

<sup>20</sup> Childhood as a Social Category

<sup>21</sup> Adult Box

<sup>22</sup> Quasi-ethnographic Methods

آن کودکی را به عنوان فرهنگی<sup>۲۴</sup> بپذیریم که حقوق خودش را دارد و با آنان به زبان خودشان صحبت کنیم. از واژه‌هایی که برایشان قابل فهم است بهره‌گیریم و در عین حال تحقیقی منسجم و روشمند انجام دهیم. در چنین منظری محقق نقش یک تسهیل‌گر را ایفا می‌کند که به کودکان اجازه می‌دهد با زبان و بیان خود روایتی مستند از تجربه‌های زیسته‌ای که دارند نقل کنند. به این ترتیب محقق بجای آنکه بخواهد تفسیری بزرگسالانه از گفتار و رفتار کودکان ارائه دهد و معنایی بزرگسالانه به آن ببخشد، دنیای کودکی را همان گونه که هست به رسمیت می‌شناسد.

در چنین شرایطی او نقش آموزگاری را ایفا نمی‌کند که داوری افکار کودک را بر عهده دارد و مرتب درستی یا نادرستی گزاره‌های او را یادآور می‌شود. بلکه می‌کوشد به درکی همدلانه از تصویرهای ذهنی کودک برسد و «صدای واقعی»<sup>۲۵</sup> او را بشنود. رسیدن به چنین دستاوردی با تولید روش‌های نوین پژوهش در این زمینه همراه است که به آن‌ها روش‌های «کودک‌مدار» یا «کودک‌پسند» می‌گویند (بارکر و ولر، ۲۰۰۳). در چنین رویکردی شرکت‌کنندگان در تحقیق نقش «مولدان فعال داده‌های پژوهشی»<sup>۲۶</sup> و «اطلاع‌رسان کلیدی»<sup>۲۷</sup> را بر عهده دارند. به این ترتیب محقق در صدد جلب «مشارکت فعال کودکان»<sup>۲۸</sup> در تحقیق خواهد بود. ضمن آنکه تفسیر مفهوم «صدا» نیز خود مقوله مفصلی در مطالعات گذشته است. مثلاً لاندی (۲۰۰۷) چهار مولفه «فضا»، «صدا»، «مخاطب» و «تاثیر» را برای آنچه با عنوان «شنیدن صدای کودک» می‌شناسیم ضروری می‌داند. نخست آنکه باید به کودکان فرصت و مجال برای ابراز عقیده داده شود. دوم آنکه باید امکان ابراز این عقیده برایشان تسهیل شود، نه اینکه مانعی سر راه آن ایجاد گردد. سومین مولفه مربوط به مخاطب است که باید توان و تمایلی برای «شنیدن» داشته باشد. سرانجام کودکان باید تاثیر صدایشان را ببینند. یعنی هر جا که میسر است، دیدگاه و نگرش آنان لحاظ شود.

کرک (۲۰۰۷) در مروری جامع از روش‌های پژوهش کودک بنیاد دریافت که اساساً توجه به دو مبحث بنیادین روش‌شناختی برای ترسیم تصویری روش‌شناسانه از مطالعات این حوزه ضرورت دارد. نخست همواره سایه مباحث «معرفت‌شناسی»<sup>۲۹</sup> در این عرصه گسترده است، که ملاحظات روش‌شناسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به این معنا که تعریف محقق از دنیای کودکی و پیش‌فرض‌های او درباره این مفهوم و همچنین فرهنگی که او در آن رشد کرده و فرهنگی که در آن تحقیق می‌کند - خواه ناخواه - بر چگونگی پژوهش در این موضوع و انتخاب روش‌های تحقیق تاثیر می‌گذارد. بنابراین، نمی‌توان ویژگی‌های روش‌شناختی مطالعات کودکی را فارغ از فرهنگ حاکم بر جامعه و مناسبات اجتماعی بررسی کرد. دومین نکته ماهیت و سرشت چندگانه مفهوم کودکی است که بر پیچیدگی تحقیق در این زمینه می‌افزاید. بر این اساس، ملاحظات روش‌شناختی باید در سایه این دو موضوع مطرح شوند.

<sup>23</sup> Projective Techniques

<sup>24</sup> Childhood as a Culture

<sup>25</sup> Children's Authentic Voices

<sup>26</sup> Active Generators of Data

<sup>27</sup> Key Informant/Informer

<sup>28</sup> Children's Active Participation

<sup>29</sup> Epistemology

## تنوع روش‌های پژوهش در مطالعات کودکی

همانطور که در بخش‌های پیشین اشاره شد، تنوع مباحثی که حول محور مفهوم کودکی قرار دارند، مطالعات این حوزه را با گستردگی فراوان همراه ساخته است. بازتابی از این گستردگی در موضوع، در روش‌های تحقیق نیز دیده می‌شود. در نتیجه روش‌های به کار گرفته شده در طیف وسیعی قابل تصور است که در یک سوی آن آزمایش‌های دقیق روان‌شناختی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون‌های استاندارد<sup>۳۰</sup> قرار دارد و سوی دیگر نقدهای ادبی و تحلیل محتوای کتاب‌های کودک که در قلمرو هنر و ادبیات مطرح است. در نتیجه همانطور که محققان به وجوه مختلف مفهوم کودکی می‌نگرند، برای معنابخشی به داده‌های گردآوری شده به ابزارهای روش‌شناختی مختلف نیاز دارند. هانا‌باس (۲۰۰۰) بر این باور است که این تنوع هم یک امتیاز محسوب می‌شود و هم می‌تواند چالشی در این زمینه به شمار آید. راه حل پیشنهادی او استفاده از «روش‌ها ترکیبی» یا «آمیخته»<sup>۳۱</sup> است. تحقیقات ترکیبی امکان استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی را فراهم می‌آورند. به اعتقاد او اگر محقق بتواند همزمان در یک تحقیق هم پیمایش مبتنی بر آمارهای دقیق را به کار گیرد و هم با استفاده از روش‌های کیفی نظیر قوم‌نگاری<sup>۳۲</sup> داده‌های تفسیری گردآوری کند، به تصویر جامع‌تری از پدیده مورد مطالعه خواهد رسید. البته در ادامه می‌افزاید هنوز محققان دو رویکرد کمی و کیفی زمینه‌روایی و پایایی<sup>۳۳</sup> چنین مطالعاتی به تفاهم کافی نرسیده‌اند. خوشبختانه امروز که چهارده سال از زمان انتشار مقاله هانا‌باس می‌گذرد این مشکل تا حد زیادی رفع شده است.

مرور منابع نشان می‌دهد مطالعات جدید درباره کودکان بر سه اصل استوار است: نخست آنکه کودکان، درست مثل بزرگسالان، دیدگاه‌ها و باروهای خودشان را دارند. دوم آنکه حق دارند این دیدگاه‌ها را به روشنی بیان کنند. سوم آنکه قادرند با همان زبان کودکان به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند (اینارسدوتیر، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷). البته به شرط آنکه محقق توانایی شنیدن داشته باشد. بنابراین، نباید کودکان را به ناتوانی در بیان عقایدشان متهم کنیم. از سویی دیگر این پیش‌فرض مبتنی بر ماده ۱۲ و ۱۳ «بیمان‌نامه حقوق کودک» است. در بخشی از ماده ۱۲ می‌خوانیم: «کشورهای طرف پیمان‌نامه تضمین می‌کنند که کودکان قادرند دیدگاه‌ها و نظرات خود را داشته باشند و این حق را دارند که این عقاید را درباره تمام موضوعاتی که به آنان مربوط می‌شود آزادانه ابراز کنند. در بخشی از ماده ۱۳ نیز آمده است: «کودکان حق آزادی بیان دارند و این حق شامل آزادی برای جستجو و دریافت اطلاعات است».

در بعضی از تحقیقات میزان مشارکت کودکان در پژوهش بیشتر است. مثلاً راسموسن و اسمیت (۲۰۰۱) تعدادی دوربین عکاسی ابتدایی را به مدت یک هفته در اختیار گروهی از کودکان بین سنین ۵ تا ۱۳ سال قرار دادند و از آنان خواستند در این مدت از هر رخداد یا موقعیتی که در خانه، مدرسه یا محل بازی برایشان جالب است بدون محدودیت عکس بگیرند. بعد از چاپ عکس‌ها از آنان خواستند درباره هر یک با پژوهشگر صحبت کنند. درباره آنچه در این تصاویر می‌بینند و آنچه برایشان جالب بوده است. به کودکان این فرصت داده می‌شد درباره روایت هر یک از تصاویر صحبت کنند. به سخنی دیگر دلایل علاقه‌مندی خود و انگیزه‌ای را که از

<sup>30</sup> Pre-test-post-test Psychological Experiments

<sup>31</sup> Mixed Methods

<sup>32</sup> Ethnography

<sup>33</sup> Validity and Reliability

گرفتن هر عکس داشته‌اند بیان کنند. نتیجه این شد که آنان هم داده‌های تصویر داشتند و هم داده‌های متنی حاصل از گفتگو با کودکان درباره عکس‌ها. در پایان محققان موفق شدند دیدگاه‌های این گروه را در هشت موقعیت بررسی کنند: خانه و خانواده؛ مدرسه؛ همکلاسی‌ها و هم‌بازی‌ها؛ رسانه‌ها؛ فعالیت‌های اوقات فراغت؛ وظایف و تکالیف؛ رفتارهای مصرفی؛ و همسایگان و محیط زیست. به این ترتیب آنان در تولید شواهد تحقیق مشارکت مستقیم داشتند. شواهدی که مبنای تحلیل و داوری قرار گرفت از دامنه و عمق زیادی برخوردار بود. از سوی دیگر وثوق داده‌ها قابل دفاع بود زیرا انتخاب هر تصویر با خود کودکان بود و ریشه در باور و توجه خودشان داشت. نه اینکه محقق تصویری را انتخاب کند و از کودک بخواهد درباره آن نظری ارائه دهد.

در مثالی دیگر، کوک و هس (۲۰۰۳) از روش عکاسی برای گردآوری داده‌های تحقیق خود بهره بردند. آنان نیز گرفتن عکس‌ها را به کودکان سپردند. در این پژوهش که همزمان در سه مدرسه پیش‌دستانی، ابتدایی و دبیرستان انجام می‌شد، محققان تعدادی دوربین یک بار مصرف و ساده در اختیار کودکان قرار دادند و از آنان خواستند درباره هر آنچه در مدرسه برایشان، به هر دلیل، مهم است عکس بگیرند. سپس تصاویر به دست آمده را در آلبومی گروهی گردآوری کنند. البته هر دانش‌آموز باید در نهایت از میان عکس‌هایی که گرفته بود، فقط ۱۲ مورد را که به نظرش اهمیت بیشتری داشت انتخاب کند. به این ترتیب تعداد کل تصاویر قابل مدیریت بود. همچنین، محققان فرایندی برای این تصویربرداری تدوین کردند. ابتدا در یک نشست گروهی و با حضور محقق دانش‌آموزان موظف بودند درباره همه مواردی که می‌خواهند عکس بگیرند صحبت کنند و دلیل اهمیت مواردی که برای عکاسی در نظر دارند را نیز بیان کنند. در گام بعدی دانش‌آموزان با همراهی محقق عکس‌های مورد نظر را می‌گرفتند و حضور محقق فقط در حد نظارت و در صورت نیاز کمک در استفاده از دوربین بود.

به سخنی دیگر محقق هیچ دخالتی در انتخاب سوژه یا چگونگی گرفتن تصاویر نداشت. هر دانش‌آموز نیز باید در نهایت ۱۲ عکس می‌گرفت. در گام سوم، دانش‌آموزان آلبومی از تصاویر تهیه می‌کردند و درباره هر یک با محقق به گفتگو می‌پرداختند. به این ترتیب در یک فرایند مفصل و چند مرحله‌ای محقق قادر بود به دنیای ذهنی آنان نزدیک شود. در این روش روحیه کار گروهی و توان دیدن، توصیف و استدلال مشارکت‌کنندگان ارتقاء می‌یافت.

اینارسدوتیر (۲۰۰۵) نیز در مهد کودکی در شهر ریکیاویک - پایتخت ایسلند - به بررسی دیدگاه‌های کودکان درباره این مهد کودک و تجربه بودنشان در آنجا پرداخت. او می‌خواست در خلال این پژوهش روش‌های تازه‌ای نیز برای بهتر شنیدن صدای کودکان بیابد. در ابتدای تحقیق نشستی با مربیان برگزار کرد تا با روند آموزش در آنجا آشنا شود و از چگونگی مشارکت کودکان در فرایند آموزش آگاهی یابد. در ادامه جلسه با مربیان مهد به صورت ماهانه و به مدت دو سال ادامه یافت. به این ترتیب همکاری متقابلی میان کادر آموزشی و محقق شکل گرفت، که این خود از نقاط قوت پروژه مذکور بود. در گام بعدی ۳۴ دانش‌آموز در سنین ۴ تا ۶ سال برای مشارکت در این تحقیق داوطلب شدند و محقق ضمن کسب اجازه از والدین آنان، به کودکان نیز اطمینان داد که اولاً مجبور به همکاری در این کار نیستند و هر زمان که خواستند می‌توانند از ادامه همکاری با تیم تحقیق انصراف دهند. تأکید بر آزادی انتخاب برای مشارکت در تحقیق از اصول اخلاق پژوهش است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. در پایان، نتایج نشان داد که از نظر مکان

بیشترین عکس‌ها در زمین بازی در حیاط مهد کودک و رختکن گرفته شده بود و از نظر موضوع نیز بیشتر از وسایل و اسباب بازی‌ها عکس گرفته بودند. انتخاب محل و سوژه عکسها بیانگر اهمیت و اولییتی است که مشارکت‌کنندگان برای بخش‌های مختلف مدرسه و افراد حاضر در آنجا قائلند. البته بدیهی است که صرفاً بر اساس عکس نمی‌توان به قضاوت دقیقی در این زمینه رسید و همواره استفاده از ابزارهای دیگر نظیر گفتگو درباره تصاویر نیز ضرورت دارد.

### دستاوردهای مطالعات کیفی در این حوزه

نمونه‌هایی از مطالعات پیشین که به آنها استناد شد، همگی مثال‌هایی از کاربرد رویکرد کیفی در تحقیق هستند. با نگاهی دوباره به همین چند عنوان می‌توان دریافت که بررسی دنیای کودکی در بافت طبیعی و محیط‌های واقعی - نظیر مهد کودک و مدرسه - فرصتی برای محقق است که به پرسش‌های خود در سایه فرهنگ و مناسبات اجتماعی حاکم در فضای جامعه پاسخ گوید. به سخنی دیگر، پژوهش کیفی گزارش از رخداد‌های واقعی در شرایط واقعی است. روایتی از آنچه واقعاً رخ می‌دهد، بی‌کم و کاست و بدون دخالت محقق برای تغییر محیط. به همین دلیل نتایج این مطالعات - اگر به درستی و با دقت انجام شوند - تصویرهای روشنی از رخدادها و پدیده‌ها در اختیار قرار می‌دهد.

«زمان» نیز عاملی تعیین‌کننده در این میان است. زیرا مدت تعامل محقق با جامعه مورد مطالعه نیز در این روش بیشتر از پژوهش‌های کمی است. مثلاً حضور مستمر در مدرسه، گفتگو با مربیان و شرکت در جلسات از فرصت‌های مشارکت پژوهشگر است. به این ترتیب، او می‌تواند از درون بافت به پدیده مورد بررسی بنگرد و به فهمی همدلانه از تجربه مشارکت‌کنندگان دست یابد. مثلاً چیتاکانی (۲۰۱۲) برای آگاهی از علائق غذایی کودکان در تحقیق به مدت دو سال همزمان از چندین روش گردآوری داده‌ها - شامل دفتر خاطرات تصویری، مصاحبه حضوری، مصاحبه برخط و مشاهده استفاده کرد.

از این رو، آهستگی و پیوستگی حاکم بر روند مطالعات کیفی فرصت مغتنمی در رسیدن به فهم همدلانه است. حتی توصیه‌های روش‌شناختی نیز در این زمینه به نحوی است که این آهستگی را افزون سازد. مثلاً یکی از امتیازهای روش‌های ترسیمی و تصویری بر روش‌های نوشتاری و کلامی در گردآوری شواهد این است که به کودک فرصت بیشتری برای تفکر و تأمل می‌دهد. از سوی دیگر در اغلب موارد برای آنان آسانتر است که درباره آنچه فکر می‌کنند نقاشی بکشند تا درباره آن صحبت کنند. در نتیجه محقق ابزاری مکمل در اختیار آنان قرار داده است. تحلیل داده در رویکرد کیفی همزمان با گردآوری شواهد آغاز می‌شود و در طول تحقیق ادامه می‌یابد. در نتیجه محقق فرصت بیشتری برای تأمل خواهد داشت. هر چه این تأمل بیشتر باشد، پژوهش از عمق و دامنه بیشتری برخوردار خواهد بود. مثلاً در نظریه‌پردازی زمینه‌ای یا داده‌بنیاد<sup>۳۴</sup> محقق در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی به مفهوم‌پردازی در شواهد می‌پردازد و مفاهیم مستتر را کشف، مقوله‌بندی و سازماندهی می‌کند.

<sup>34</sup> Grounded Theory



امتیاز دیگر رویکرد کیفی تفسیری بودن یافته‌ها و نتایج و بی‌نیازی از تکیه بر آزمون‌های آماری است. در نتیجه پژوهشگران می‌توانند در گروه‌های کوچک به تحقیقات مفصل و دامنه‌داری بپردازند که نتایج آنها شناخت ما را درباره مسائل مورد بررسی افزایش خواهد داد. تنوع ابزار و منابع نیز از فرصت‌های ارزشمند رویکرد کیفی است. زیرا در این مطالعات محقق مجاز است همزمان از انواع داده‌های مرتبط بهره گیرد. مثلاً استفاده همزمان از مشاهده، مصاحبه، بحث گروهی، تحلیل متن و تعیین وظایف مشخص فرصت ارزشمندی برای ترسیم تصویری چندجانبه از موضوع تحقیق است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

علاوه بر این تنوع گروه‌های مرتبط با مباحث نیز فرصتی است که در اختیاران پژوهشگرانی قرار دارد که قصد استفاده از رویکرد کیفی دارند. مکتبی‌فرد و منصوریان (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تبارشناسی پژوهش‌های ادبیات کودکان از منظر روش‌شناختی» هفت گروه مرتبط با حوزه ادبیات کودک را شناسایی کردند که هر یک می‌توانند مبنایی برای مطالعات مستقل در این زمینه باشند: کودکان و نوجوانان به عنوان جامعه هدف و مخاطبان اصلی آثار؛ پدیدآورندگان آثار اعم از نویسندگان، مترجمان و تصویرگران؛ آثار منتشر شده اعم از کتاب، فیلم و منابع چندرسانه‌ای؛ ناشران و دیگر نهادهای سرمایه‌گذار، نهادها و سازمان‌های مرتبط و سرانجام منتقدان و پژوهشگران. بر این اساس، زمینه گسترده‌ای وجود دارد. همواره پژوهشگران می‌توانند از رویکرد کیفی برای مطالعه دیدگاه‌های گروه‌های مرتبط با کودکان - نظیر والدین - استفاده کنند. مثلاً عابدی و همکاران (۱۳۹۱) روش پدیدارشناسی<sup>۳۵</sup> را برای توصیف خواست و تمایلات روانی نوجوانان از دیدگاه والدین به کار بستند که مثالی از این مطالعات است.

### سه ملاحظه اصلی در مطالعات کودکی

مرور منابع نشان می‌دهد که در مجموع سه عامل «قدرت نامتوازن»<sup>۳۶</sup>، «رضایت آگاهانه»<sup>۳۷</sup> و «محرمانگی»<sup>۳۸</sup> از جمله ملاحظات اصلی در تحقیقات این حوزه هستند (کرک، ۲۰۰۷). منظور از قدرت نامتوازن این است که طبیعتاً کودکان از نظر فیزیکی و اجتماعی سهم کمتری از بزرگسالان در مناسبات اجتماعی دارند. در نتیجه زمانی که موضوعی مرتبط با آنان محور تحقیق است و مشارکت و حضورشان در فرایند گردآوری و تحلیل شواهد را می‌طلبد، آنان در شرایطی نابرابر با بزرگسالان قرار دارند. بر این اساس، محقق موظف است نسبت به این نابرابری آگاه باشد و تمام توان خود را برای کاستن از تاثیر منفی این شرایط به کار گیرد. مثلاً باید به خاطر داشته باشد که اگر قرار است با کودکان مصاحبه‌ای انجام دهد، چه بسا آنان به دلیل تفاوت سنی و احساس هراسی که از گفتگو با بزرگترها دارند، به سادگی نتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح سازند. بنابراین، لازم است رنگ و بویی کودکانه به این گفتگو بیخشد تا از سردی و خشکی حاکم بر فضای گفتگو بکاهد. خود را نیز در موقعیت برتری نسبت به کودک نبیند و تصور نکند قرار است چیزی به او آموزش دهد یا درستی گزاره‌ای را برایش ثابت کند، بلکه در این مرحله فقط باید شنونده باشد.

<sup>35</sup> Phenomenography

<sup>36</sup> Power Imbalance

<sup>37</sup> Informed Consent

<sup>38</sup> Confidentiality

دومین عامل «رضایت آگاهانه» است. کسب رضایت والدین برای مشارکت کودکان در تحقیق کیفیت نمی‌کند. بلکه آنان خودشان نیز برای همکاری در این زمینه باید راضی و خوشنود باشند. این خوشنودی نیز نباید تحت تاثیر هراس از پیامدهای کناره‌گیری یا امید به پاداش برای مشارکت قرار گیرد. به این بیانی دیگر، کودک نباید در موقعیتی قرار گیرد که تصور کند پاسخ منفی برای شرکت در یک تحقیق برایش مزاحمت یا دردسری در پی خواهد داشت، یا گمان کند با همکاری در این زمینه پاداشی در انتظارش است. بلکه باید آزادانه و داوطلبانه در تحقیق شرکت کند و از این مشارکت لذت ببرد.

سومین عامل نیز «محرمانگی» است. به این معنا که پژوهشگر باید حریم خصوصی کودکان را کاملاً محترم شمرده و به هیچ وجه آنان را برای پاسخ به پرسش‌هایی که تمایل ندارند به آنها جواب دهند، تحت فشار قرار دهد. حتی پرسشهایی که به نظر او ساده و بی‌اهمیت به نظر برسد. تعیین میزان اهمیت هر پرسش با فرد مصاحبه‌شونده است. همه‌شواهد گردآمده در این مطالعات نیز باید محرمانه تلقی شود و نام افرادی که در نمونه حاضر بودند در گزارش‌ها ذکر نگردد.

### ابزارهای متداول گردآوری داده‌ها در تحقیقات کودکان

در این بخش ده ابزار متداول در مطالعات کودکی معرفی می‌شود و کاربرد هر یک به اختصار تشریح خواهد شد. معمولاً توصیه می‌شود در هر پژوهش ترکیبی از آنها به کار گرفته شود تا هر یک وجهی را در بر گیرد. معمولاً هر چه تنوع روش‌ها و ابزار بیشتر باشد، فرصت‌های بیشتری برای شناخت وجود دارد.

#### ۱. مصاحبه همراه با روش‌های ترسیمی (Interview and Projective Techniques)

مهارت گفتگو با کودکان نخستین گام در انجام پژوهش در این حوزه است. اما این گفتگو نباید به هیچ وجه قالبی رسمی شبیه مصاحبه با بزرگسالان داشته باشد. ضمناً باید به نحوی باشد که کودک به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود ترغیب شود. بی‌آنکه نگران باشد، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. یکی از پیشنهادها همراه ساختن این گفتگو با طراحی، نقاشی یا عکاسی باشد. نمونه‌هایی از آن نیز مطالعات پیشین ارائه شده بود. در مطالعات ادبیات کودک، اگر بخواهیم رویکردی مخاطب‌مدار داشته باشیم، می‌توان با کودکان درباره کتاب‌هایی که خوانده‌اند گفتگو کنیم. کافی است از آنان بخواهیم نظرشان را درباره محتوای کتاب به زبانی ساده بیان کنند. یا اینکه درباره شخصیت‌های داستانها صحبت کنیم و نظرشان را در این زمینه جويا شویم. حتی می‌توان از کودکان خواست درباره کتابی که خوانده‌اند نقاشی بکشند. استفاده از دوربین برای گرفتن عکس از محل یا رخدادهای مورد مطالعه نیز همواره یکی از روش‌های تولید شواهد بوده است. کلارک و ماس (۲۰۰۱) ترکیب ابزارهای گفتاری مثل مصاحبه را با ابزارهای ترسیمی مثل نقاشی را «رویکرد موازی‌یک» نامیدند که می‌توان مترادف آن را در فارسی «روش پاره‌چین» خواند. کلارک در آثار بعدی خود (۲۰۰۴، ۲۰۱۰، و ۲۰۱۱) پیشرفت‌های این روش را تبیین می‌کند و بر این باور است که اگر از توان روش‌های تحقیق مشارکتی و ترکیبی به درستی استفاده شود، کودکان می‌توانند نقش‌هایی به مراتب اساسی‌تر و موثرتر در مطالعات این حوزه داشته باشند.

## ۲. بحث گروهی (Group Discussion)

گفتگو همواره می‌تواند یک گام فراتر رفته و به بحثی گروهی تبدیل شود. تعداد شرکت کنندگان در یک بحث می‌تواند بین ۳ تا ۱۰ نفر باشد، زیرا کمتر از سه نفر چندان گروهی نخواهد بود و بیش از ده نفر نیز امکان تبادل نظر برای همه به سادگی ممکن نیست. در این بحث همه اعضا گروه باید امکان صحبت درباره تجربه‌های خود را داشته باشند. محقق در این گفتگوی گروهی می‌تواند نقش هماهنگ کننده را ایفا کند و بحث را به نتیجه و جمع‌بندی برساند. اما نباید مسیر گفتگو را به سمت و سویی که می‌خواهد هدایت کند و به همه اجازه دهد خودشان صحبت کنند و نظرشان را مطرح سازند. استفاده از این روش علاوه بر سودمندی فراوان در گردآوری شواهد، فرصتی برای تمرین تبادل نظر خواهد بود. یادگیری چگونگی انتقاد سازنده و رسیدن به نتایج ملموس از یک بحث گروهی از دستاوردهای این روش است.

## ۳. دفتر خاطرات تصویری (Photo Diaries)

اغلب روش‌های گردآوری داده‌ها در این تحقیقات به گونه‌ای است که برای بچه‌ها آسانتر و جذابتر باشد. یکی از این روشها دفتر خاطرات تصویری است. تصاویر این دفترها هم می‌تواند نقاشی باشد و هم عکس‌هایی که با دوربین گرفته‌اند. حتی می‌تواند بریده‌های نشریه‌ها و جراید نیز باشد. منبع تصویر اهمیت چندانی ندارد. آنچه مهم است پیوندی است که یک تصویر با تجربه‌ء کودک دارد.

## ۴. دفتر خاطرات صوتی (Audio Diaries)

امروزه استفاده از ضبط صوتهای دیجیتال که تقریباً در هر گوشی تلفن همراهی هم یافت می‌شود، تولید فایل‌های صوتی را آسان ساخته است. محقق می‌تواند از کودکان بخواهد تجربه‌های خود را در زمینه موضوع مورد مطالعه روزانه یا هفتگی ضبط کنند. بویژه بی‌نیازی از نوشتن و خود فرایند ضبط و گردآوری این داده‌ها می‌تواند برای نمونه مورد مطالعه جالب و هیجان‌انگیز باشد. علاوه بر این، ایجاد یک مجموعه مدون در مدت زمانی مشخص نوعی تعهد در انجام امور برای آنان فراهم می‌آورد که در جای خود اثرات آموزشی و تربیتی مثبت خواهد داشت.

## ۵. پرسشنامه همراه با مصاحبه انفرادی (Questionnaire and Individual Interview)

هرچند پرسشنامه جذابیت چندانی برای کودکان ندارد، اما همواره این خلاقیت‌های محقق است که می‌تواند راهکاری برای حل این مشکل بیابد. پرسشنامه‌های ساده یا تصویری به نحوی که بتواند توجه کودکان را جلب کند، در این زمینه مفید است. ترکیب مصاحبه با پرسشنامه نیز فرصتی برای گفتگو و گردآوری شواهد مفید فراهم می‌آورد.

## ۶. طراحی آگهی تبلیغاتی تخیلی (Imaginary Advertisement Design)

اگر گردآوری داده‌ها با خلاقیت همراه شود، امید بیشتری به موفقیت تحقیق وجود دارد. بویژه اگر محقق بتواند کودکان را به خلق و تولید اثری تازه ترغیب کند، شانس بیشتری برای جلب مشارکت آنان در تحقیق خواهد داشت. زیرا در این صورت فرصتی فراهم می‌شود که آنان نقشی هدایتگر و فعال داشته باشند و این نقش انگیزه‌ای برای مشارکت بیشتر خواهد بود. تقویت روحیه همکاری جمعی و کارگروهی در طراحی و ساخت کلاژهای ساده تمرین خوبی در این زمینه است.

#### ۷. مشاهده مشارکتی (Participatory Observation)

مشاهده همیشه یکی از ابزارهای گردآوری داده‌ها در این حوزه بوده است. اما آنچه به تحلیل‌ها و تفسیرهای مبتنی بر مشاهده وثوق و اعتبار می‌بخشد، میزان همخوانی آن با واقعیت است. در نتیجه محقق، مثلاً، نمی‌تواند به صرف تماشای بازی کودکان و مشاهده تعامل آنان در خلال بازی همواره به نتایج دقیق و درستی برسد. برای رسیدن به نتیجه بهتر «مشاهده مشارکتی» یکی از ابزارهای پیشنهادی است. محقق نیز در فرایند مورد مطالعه نقشی به عهده دارد و با حضور در تجربه مشترک به ذهنیت شرکت‌کنندگان در تحقیق نزدیک می‌شود.

#### ۸. طراحی وظایف مشخص (Task Centered Activities)

یکی از ابتکارها سپردن وظایف مشخص به کودکان و بررسی عملکرد آنان است. مثلاً در پژوهش‌های حوزه تبلیغات و بازرگانی برای آشنایی بیشتر با سلیقه‌های کودکان محقق مبلغ مشخصی پول در اختیار نمونه مورد مطالعه قرار می‌دهد و از آنان می‌خواهد به همان میزان از فروشگاه خرید کنند. حال ممکن است زمینه موضوعی پژوهش بسیار متنوع باشد. مواد غذایی، پوشاک، کتاب یا لوازم تحریر یا هر کالای دیگر مورد نیاز ممکن است مبنای بررسی در این مطالعات باشد. اما آنچه اهمیت دارد، آزادی شرکت‌کنندگان در تحقیق برای انتخاب است و گفتگوی بعد از انجام وظیفه تعریف شده نیز نقشی اساسی در شناخت موضوع ایفا می‌کند. به عنوان نمونه ممکن است محقق مبلغی پول - متناسب برای خرید دو یا سه عنوان کتاب کودک - در اختیار گروهی از کودکان قرار دهد و در کتابفروشی بزرگی آنان را برای انتخاب اثر مورد نظرشان آزاد بگذارد. بعد از خرید کتاب‌ها زمان گفتگو فرا می‌رسد که هر یک از شرکت‌کنندگان باید دلایل گزینش آثار مورد نظر را بیان کنند. آیا مجذوب تصاویر کتاب شدند؟ آیا عنوان برایشان جذاب بود؟ آیا نمونه مشابه آن را قبلاً دیده بودند و بسیاری از پرسش‌های دیگر.

#### ۹. گفتگوی هدفمند درباره وظیفه‌ای مشخص (Discussion for Aided Tasks)

گفتگوی هدفمند در واقع شکل خاصی از مصاحبه است. با این تفاوت که ساختار منسجم‌تری دارد و برای تامین هدفی معین طراحی می‌شود. محقق نیز می‌تواند هدفی معین برای آن تعریف کند. مثلاً گفتگو با جمعی از کودکان برای تصمیم‌گیری در زمینه طراحی یک روزنامه دیواری در مدرسه. جمعی که برای این کار انتخاب می‌شوند باید در یک یا چند جلسه به نتیجه مشخصی درباره شکل و محتوای این روزنامه برسند. محقق نیز به عنوان ناظر و هماهنگ‌کننده باید شنونده بحث‌ها باشد و دلایل و انگیزه‌های کودکان را در هر یک از انتخاب‌ها بررسی کند.

#### ۱۰. تحلیل محتوای نامه‌های کودکان (Letter Content Analysis)

تحلیل محتوای هر متن بازتابی از دیدگاه و افکار نویسنده آن است. اگر پژوهش ما به گونه‌ای طراحی شود که برای کودکان فرصت بیان آزادانه دیدگاه‌ها و نظراتشان را فراهم آورد، آنگاه زمینه‌ای برای درک و فهم دنیای کودکی مهیا خواهد شد. یکی از روش‌های خلاقانه برای رسیدن به این هدف ترغیب و تشویق کودکان به نوشتن نامه به آدم‌های واقعی یا شخصیت‌های داستانی یا افسانه‌ای است. مثلاً می‌توان از کودکان خواست به شخصیت داستانی محبوب خود نامه‌ای بنویسند.

## سخن پایانی

پژوهش درباره دنیای کودکی مستلزم پذیرش چند اصل اساسی و آگاهی از ملاحظات خاص تحقیق درباره کودکان است. در این مقاله به تعدادی از این اصول و ملاحظات از منظر روش‌شناختی و با تأکید بر رویکرد کیفی اشاره شد. پذیرش هر یک از این اصول و توجه به هر یک از این ملاحظات تأثیری جدی بر روند تحقیق ما خواهد داشت. نخست آنکه باید به خاطر داشته باشیم کودکان نسخه ناقص و ناکامل بزرگسالان نیستند که فقط مرحله گذار به دوره بزرگسالی را سپری می‌کنند. بلکه آنان شخصیتی مستقل و آزاد دارند. آنان حق دارند درباره آنچه فکر می‌کنند نظرشان را آزادانه و بدون هراس از پیامدهای آن بیان کنند. محقق نیز باید حق طرح نظرات و آزادی بیان را برای آنان به رسمیت بشناسد. محقق مربی کودک نیست که بخواهد به او چیزی آموزش دهد. بلکه فقط موظف است بدون آنکه حضورش خدشه‌ای در ذهن و زبان کودک وارد آورد، تصویری از دنیای ذهنی او ترسیم کند. بنابراین، محقق می‌پذیرد که کودکان به عنوان طبقه خاصی از اجتماع فرهنگ خاص خود را دارند و مستقل از والدین یا مربیان خود دارای نظر و اندیشه هستند. پس از پذیرش این اصول نوبت به توجه به ملاحظات پژوهش در این زمینه است. سه عامل «قدرت نامتوازن»، «رضایت آگاهانه» و «محرمانگی» از مهمترین مباحث بحث‌برانگیز بوده و باید مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که کودکان با نگاهی متفاوت به دنیا می‌نگرند، پرسش‌های متفاوت می‌پرسند و به شیوه‌های متفاوتی ارتباط برقرار می‌سازند، شناخت تجربه زیسته آنان نیازمند ابتکارهای روش‌شناختی است. البته پژوهشگران این حوزه همواره باید ظرافت‌های تحقیق درباره مباحث مرتبط با کودکان را بخاطر داشته باشند. بویژه باید مراقب پیش فرض‌ها و تحلیل‌های ساده‌انگارانه از داده‌های گردآمده در تحقیق نیز باشند. مثلاً نباید تصور کنیم همه کودکان به یک میزان به نقاشی علاقه‌مند هستند و همواره آنان بهتر می‌توانند دیدگاه‌های خود را از این طریق بیان کنند. چه بسا بسیاری از آنان اصلاً تمایل به طراحی و نقاشی نداشته باشند و ترجیح بدهند درباره افکار و عقاید خود با محقق گفتگو کنند. محققان نباید نقاشی‌های کودکان را از منظر تفکر بزرگسالی تفسیر کرد و گمان برند که هر شکل و نماد در نقاشی همه آنان به یک معناست. این تلقی‌های تعمیم‌پذیر از خطراتی است که تحقیق در این حوزه را تهدید می‌کند. بلکه محقق باید نسبت به تفاوت‌های گروه‌های مختلف آگاه باشد و در هر مورد متناسب با بافت و موقعیت موضوع مورد مطالعه تصمیم بگیرد.

آخرین نکته، اشاره‌ای به دستاوردهای جانبی تحقیقات کیفی خلاقانه همراه با کودکان است. زیرا استفاده از این روش‌ها - اگر به درستی انجام شود - دستاوردهایی هم برای کودکان خواهد داشت: از جمله افزایش اعتماد به نفس، رشد مسئولیت‌پذیری و تقویت مهارت‌های تفکر خلاق. پژوهشگرانی که از ابتکارهای روش‌شناختی بهره می‌برند و وظایف مشخصی برای کودکان در تحقیق تعریف می‌کنند، فرصتی برای رشد بسیاری از مهارت‌های شناختی و یادگیری در اختیار آنان قرار می‌دهند. کلت (۲۰۱۰) که دو کتاب مستقل در این زمینه دارد (کلت، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰) بر این باور است که مشارکت کودکان در تحقیق فرصتی برای توانمندسازی آنان است. او حتی اعتقاد دارد که آنان خود می‌توانند تحقیقات این حوزه را فقط با «حمایت» بزرگترها و نه «مدیریت» آنان طراحی و اجرا کنند. او کودکان را پژوهشگران توانایی می‌داند که قادرند به کشف و دریافت دانشی از مفهوم و تجربه کودکی برسند که گاه بزرگسالان از رسیدن به آن ناتوانند. به شرط آنکه به معنای واقعی «صدای کودکان» شنیده شود. به امید آن روز!

## منابع فارسی و لاتین

- عابدی، حیدرعلی؛ محمدی خشویی، روح‌انگیز و صالحی، شایسته (۱۳۹۱) خواسته‌ها و تمایلات روانی - اجتماعی اولین کودک در خانواده: یک مطالعه کیفی، دوره ۱، ش. ۱، ص. ۷-۱.
- مکتبی‌فرد، لیلا و منصوریان، یزدان (۱۳۹۱) تبارشناسی پژوهش‌های ادبیات کودکان از منظر روش‌شناختی. مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز. دوره ۳، ش. ۱، ص. ۱۳۷-۱۵۲.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۱) هفتاد نکته کاربردی در پژوهش کیفی، کتاب ماه کلیات، دوره ۱۵، شماره ۸ پی‌درپی ۱۷۶.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۸). امیدها و تردیدهای پژوهشگران به رویکرد کیفی در فرایند پژوهش، کلیات، دوره ۱۳، ش. ۳، ص. ۶۵-۶۰.
- Banister, E. N. and Both, G. J (2005) Exploring innovative methodologies for child-centric consumer research, *Qualitative Market Research: An International Journal*, Vol. 8, No. 2, pp. 157-175.
- Barker, J. & Weller, S. (2003) "Is it fun?" Developing children centred research methods. *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. 23, No. 1/2, pp. 33-58.
- Clark, A. (2011) Breaking methodological boundaries: exploring visual, participatory methods with adults and young children, *European Early Childhood Education Research Journal*, Vol. 19, No. 3, pp. 321-330.
- Clark, A. (2010) Young children as protagonists and the role of participatory, visual methods in engaging multiple perspectives, *American Journal of Community Psychology*, Vol. 46, No. (1- 2), pp. 115-123.
- Clark, A., & Moss, P. (2001) *Listening to young children: The Mosaic approach*. London: National Children's Bureau.
- Chitakunye, P. (2012) Recovering children's voices in consumer research, *Qualitative Market Research: An International Journal*, Vol. 15, No. 2, pp. 206-224.
- Cook, T. and Hess, E. (2003) Contribution for early childhood education collaborative, paper presented at the Annual Conference of the European Early Childhood Research Association. Glasgow, September.
- Einarsdóttir, J (2005). Playschool in pictures: Children's photographs as a research method. *Early Child Development and Care*, Vol. 175, No. 6, pp. 523-541.
- Einarsdóttir, J (2007). Research with children: Methodological and ethical challenges. *European Early Childhood Education Research Journal*, Vol. 15, No. 2, pp. 197-212.
- Hannabuss, S. (2000) Researching into childhood studies, *Library Management*, Vol. 21, No. 8, pp. 423-431.
- Kellett, M. (2011) Empowering children and young people as researchers: overcoming barriers and building capacity. *Child Indicators Research*, Vol. 4, No. 2, pp. 205-219.

- Kellett, M. (2010) *Rethinking Children and Research: Attitudes in contemporary society*, London: Continuum.
- Kellett, M. (2010) Small shoes, big steps! Empowering children as researcher, *American Journal of Community Psychology*, Vol. 46, No. 1/2.
- Kellett, M. (2005) *How to Develop Children as Researchers: a step by step guide to the research process*, London: Sage.
- Kirk, S. (2007), Methodological and ethical issues in conducting qualitative research with children and young people: a literature review, *International Journal of Nursing Studies*, Vol. 44, pp. 1250-1260.
- Lundy, L. (2007) Voice' is not enough: Conceptualising Article 12 of the United Nations Convention on the Rights of the Child. *British Educational Research Journal*, Vol. 33, No. 6, pp. 927–942.
- O'Reilly, M., Ronzoni, P. and Dogra, N. (2013) *Research with Children: Theory and Practice*. London: SAGE Publications.
- Rasmussen, K and Smidt, S. (2001) Children's neighborhood as everyday life arena, paper presented at the annual conference of the Nordic Educational Research Association, Stockholm, March.
- United Nations (1989) *United Nations Convention on the Rights of the Child*, Geneva: Office of the High Commissioner for Human Rights.